

[بررسی حکم ترک نسیانی قرائت 1](#_Toc97502087)

[بررسی وجوب سجده سهو 1](#_Toc97502088)

[دلیلیت روایت سفیان بن سمط 1](#_Toc97502089)

[بحث سندی روایت 2](#_Toc97502090)

[دلیل دوم بر وجوب سجده سهو: روایات بیانگر علم اجمالی در ترک یا زیاده 3](#_Toc97502091)

[لزوم رفع ید از روایات دال بر وجوب سجده سهو 5](#_Toc97502092)

[شاهد اول بر لزوم رفع ید: روایات دال بر عدم وجوب سجده سهو 5](#_Toc97502093)

[شاهد دوم لزوم رفع ید از روایات وجوب سجده سهو: عدم ذکر سجده سهو در جایی که مناسب بود بیان شود 7](#_Toc97502094)

[شاهد سوم: روایات وارده در نسیان قرائت 8](#_Toc97502095)

[کلام محقق سیستانی 9](#_Toc97502096)

[بررسی تعداد سجده سهو واجب 10](#_Toc97502097)

[مسئله دو از مسائل قرائت: عدم جواز تطویل سورۀ در ضیق وقت 10](#_Toc97502098)

**موضوع**: نسیان قرائت /قرائت /نماز

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته مسئله نسیان قرائت در نماز مطرح گردید که عدم بطلان آن در کلام سید یزدی مطرح شده بود. در این جلسه به بررسی وجوب یا عدم وجوب سجده سهو و تعداد لازم آن پرداخته می شود.

# بررسی حکم ترک نسیانی قرائت

بحث راجع به فرمایش صاحب عروه بود که فرمودند اگر کسی نسیانا قرائت را ترک کند، نماز وی صحیح است لکن سجده سهو دارد.

## بررسی وجوب سجده سهو

ایشان می فرمایند: یک سجده برای ترک حمد و یک سجده برای ترک سورۀ باید به جا آورد.

### دلیلیت روایت سفیان بن سمط

دلیل صاحب عروه عبارت بود از مرسله ابن ابی عمیر که چنین بود:

« مَا رَوَاهُ‌ - أَحْمَدُ بْنُ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ عِيسَى عَنِ‌ اَلْحُسَيْنِ‌ بْنِ‌ سَعِيدٍ عَنِ‌ اِبْنِ‌ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ‌ بَعْضِ‌ أَصْحَابِنَا عَنْ‌ سُفْيَانَ‌ بْنِ‌ السِّمْطِ عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: «**تَسْجُدُ سَجْدَتَيِ‌ السَّهْوِ فِي كُلِّ‌ زِيَادَةٍ‌ تَدْخُلُ‌ عَلَيْكَ‌ أَوْ نُقْصَانٍ‌ وَ مَنْ‌ تَرَكَ‌ سَجْدَةً‌ فَقَدْ نَقَصَ**‌»[[1]](#footnote-1)

#### بحث سندی روایت

ما سعی کردیم سند این روایت را تصحیح کنیم، محقق سیستانی فرموده اند؛ روایت سفیان بن سمط مرسله است که اعتباری ندارد، در حالی که ایشان مراسیل ابن ابی عمیر را قبول کرده اند؛ از این رو فرمایش ایشان را نفهمیدیم.

برخی مثل محقق داماد معتقدند که چون ابن ابی عمیر از اصحاب اجماع است، «أجمعت العصابۀ علی تصحیح ما یصح عنهم»[[2]](#footnote-2) سند تا ابن ابی عمیر اگر صحیح باشد، دیگر بعد از وی تا امام مشکلی ندارد. اجماع داریم که مهم این است که تا این اصحاب اجماع، باید با سند صحیح رسیده باشد، بعد از آن دیگر مهم نیست[[3]](#footnote-3).

ما این نظریه اصحاب اجماع را قبول نداریم، نه فقط به خاطر اینکه اجماع قدماء اعتباری در این زمینه ندارد، بلکه معتقدیم که این عبارت ظهور در بیش از اجماع بر فقاهت و علم این بزرگواران 18 نفر ندارد. تصحیح ما یصح عنهم بعدش آورده است که و تصدیقهم فیما یقولون، یعنی این 18 نفر وثاقت و فقاهتشان متفق علیه است.

سوال می شود که تصدیق را به همان معنای تصحیح می گیرید؟

جواب این است که معنای جمله این است که از حیث این افراد، حدیث صحیح است، شاهدش این است که از شش نفری که از اصحاب امام باقر علیه السلام هستند، تعبیر به تصحیح ما یصح عنهم نکرده است، بعد که می رسد به اصحاب امام صادق علیه السلام آنها می فرماید: بعد از این شش نفر اصحاب امام باقر علیه السلام شش نفر دیگر هستند که این ویژگی تصحیح ما یصح عنهم را دارند؛ عبارت کشی چنین است:

«أجمعت العصابة على تصحيح ما يصح من هؤلاء و تصديقهم لما يقولون و أقروا لهم بالفقه، من دون أولئك الستة الذين عددناهم و سميناهم، ستة نفر…»[[4]](#footnote-4)

و من دون ذلک که بعد از آن شش نفر اول این شش نفر هستند که تصحیح ما یصح عنهم آمده است. این شش نفر در رتبه بعد از آن شش نفر اول هستند. راجع به آن شش نفر اول تصحیح ما یصح عنهم را نفرموده است. این جملات ناظر به اتفاق بر فقاهت و وثاقت آن ها است.

محقق بروجردی معتقد است این روایت معرض عنه اصحاب است؛ تا زمان علامه حلی و شهید اول طبق این روایت فتوا نداده اند و شیخ طوسی هم فرموده بود: برخی از اصحاب گفته اند که سجده سهو واجب است[[5]](#footnote-5). پس اعراض مشهور قدماء است که موهن روایت است[[6]](#footnote-6). ما نکته اعراض را نیز عرض خواهیم کرد.

محقق داماد فرموده است شاید نکته اعراض این باشد که این روایت اختصاص به نماز ندارد، جمله «فی الصلاۀ» نداشت، از این رو علماء دیده اند که طبق این عموم نمی توان عمل کرد و لذا اعراض کرده اند[[7]](#footnote-7).

انصافا متفاهم عرفی از این روایت نماز است. «تسجد سجدتی السهو» جو فقهی عامه نیز این بود که سجده سهو در زیاده و نقیصه در نماز است. امام وقتی امر به سجده سهو در هر زیاده و نقصان می کند با توجه به این جو فقهی همه در نماز بودن را می فهمیده اند و نیازی به ذکر فی الصلاۀ نبود. اگر قرار باشد غیر نماز باشد در کجا منظور است؟ حج مراد است؟ زکات و خمس مراد است؟ این ها طبق ارتکاز و جو فکری نبوده است. پس انصراف دارد.

به نظر ما این روایت از نظر سندی و دلالی تمام است، بلی اعراض مشهور قدماء از این روایت است ولی نکته ای دارد که بعد عرض می کنیم.

### دلیل دوم بر وجوب سجده سهو: روایات بیانگر علم اجمالی در ترک یا زیاده

دلیل دوم بر وجوب سهو روایاتی است که در فرض علم اجمالی در اینکه یا من در نماز چیزی را زیاد یا کم کرده اند، امر به سجده سهو فرموده اند. گفته می شود که علم طریقیت دارد، اگر علم داریم که یا در نماز چیزی را زیاد یا کم کرده ایم، باید سجده سهو به جا آوریم، عرف می گوید اگر علم تفصیلی به زیاده یا نقیصه یا به هر دو پیدا کردیم، سجده قطعا واجب است و عدم وجوب آن عرفیت ندارد. برخی از روایات آن عبارتند از:

1. صحیحه حلبی:

« مَا رَوَاهُ- سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: إِذَا لَمْ تَدْرِ أَرْبَعاً صَلَّيْتَ أَمْ خَمْساً أَمْ نَقَصْتَ أَمْ زِدْتَ فَتَشَهَّدْ وَ سَلِّمْ وَ اسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ بِغَيْرِ رُكُوعٍ وَ لَا قِرَاءَةٍ تَتَشَهَّدُ فِيهِمَا تَشَهُّداً خَفِيفاً»[[8]](#footnote-8)

این روایت سه احتمال دارد:

**الف**: احتمال اول این است که گفته شود تعبیر «أم زدت یا أم نقصت» عطف بر جمله «أربعا صلیت أم خمسا» هستند. یعنی اگر ندانستید که چهار رکعت خوانده اید یا پنج، یا ندانستید که زیاد کرده اید یا کم کرده اید، یعنی علم اجمالی دارید که یا کم یا زیاد کرده اید.

محقق خویی فرموده اند این احتمال اظهر است؛ زیرا لفظ ام غالبا در مورد علم اجمالی به کار می رود.

ب: احتمال دوم این است که گفته شود «نقصت أم زدت» عطف بر خود «لم تدر» است نه بر مفعول «لم تدر»، یعنی «اذا لم تدر و اذا نقصت و اذا زدت» سجده واجب است. این طور باشد دلالتش واضح می شود.

**ج**: احتمال سوم این است که هر کدام از «نقصت» یا «زدت» عطف بر مفعول لم تدر است، یعنی معنای جمله اینچنین است که «إذا لم تدر نقصت أم لا أو لم تدر زدت أو لا» فاسجد» و إذا لم تدر نقصت أم لا و لم تدر زدت أم لا، آن وقت گفته می شود شک در نقیصه و شک در زیاده وجوب سجده سهو می آورد، چطور می شود علم به آن وجوب سجود سهو نیاورد؟ طبق این احتمال سوم یکی از موجبات سجود سهو شک در زیاده و نقیصه است.

این احتمال سوم انصافا خلاف ظاهر است؛ زیرا ظاهر روایت این است که همانطور که «أربعا صلیت أم خمسا» علم اجمالی را می گوید، اگر «نقصت أو زدت» عطف بر آن باشد، باز بحث علم اجمالی است. بنابراین همان احتمال اول می شود، انصافا همانطور که محقق خویی فرموده اند احتمال اول اظهر است. پس استظهار از این روایت این است که علم اجمالی به وجود زیاده یا نقصان موجب سجود سهو است.

**سوال:** اگر اذا لم تدر أربعا صلیت أم خمسا أو نقصت أو زدت باشد چه می شود؟ یعنی همه این ها عطف شده باشد؛ یعنی نمی داند که اصلا چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت یا بیشتر یا کمتر خوانده است.

**جواب:** این با ظهور عرفی منافات دارد. نفرموده است نقصت رکعۀ و حرف از رکعت نزده است.

البته محقق خویی فرموده اند علم اجمالی به زیاده یا نقیصه موجب سجود سهو است، می گوییم علم تفصیلی به زیاده و یا نقیصه یا هر دو وجوب سهو نمی آورد؟ می گوییم بلی، تعبدی است.

این کلام انصافا عرفی نیست. به قول شیخ عبدالکریم حائری عرف این را نمی پذیرد و در اینجا برای آن طریقیت می داند. علم اجمالی داریم که یا حمد را ترک کرده اید یا دو بار خوانده اید، سجده سهو داشته باشید ولی وقتی می دانید دو بار خوانده اید، سجده سهو لازم نباشد، عرفی نیست. باید به عرف مراجعه کرد و نباید به احتمالات غیر عرفی اعتناء کرد.

1. صحیحه زرارۀ:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلَمْ يَدْرِ زَادَ أَمْ نَقَصَ فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ وَ هُوَ جَالِسٌ وَ سَمَّاهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ص الْمُرْغِمَتَيْنِ»[[9]](#footnote-9)

1. صحیحه فضیل بن یسار:

« وَ سَأَلَ الْفُضَيْلُ بْنُ يَسَارٍ- أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ السَّهْوِ فَقَالَ مَنْ يَحْفَظْ سَهْوَهُ فَأَتَمَّهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ وَ إِنَّمَا السَّهْوُ عَلَى مَنْ لَمْ يَدْرِ أَ زَادَ فِي صَلَاتِهِ أَمْ نَقَصَ مِنْهَا»[[10]](#footnote-10)

طبق این روایت نماز صحیح است و فقط سجده سهو لازم دارد.

### لزوم رفع ید از روایات دال بر وجوب سجده سهو

ذکر این روایات دلیل دوم برای وجوب سهو برای زیاده و نقیصه است. به نظر ما به خاطر وجود چند دلیل و شاهد، باید از ظهور این دو دلیل (که روایات بودند) رفع ید کرد:

#### شاهد اول بر لزوم رفع ید: روایات دال بر عدم وجوب سجده سهو

روایاتی که مسئله عدم وجوب سجده سهو را مطرح کرده اند همچون:

1. صحیحه أبی بصیر

« اَلْحُسَيْنُ‌ بْنُ‌ سَعِيدٍ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ سِنَانٍ‌ عَنِ‌ اِبْنِ‌ مُسْكَانَ‌ عَنْ‌ **أَبِي بَصِيرٍ قَالَ‌: سَأَلْتُهُ‌ عَمَّنْ‌ نَسِيَ‌ أَنْ‌ يَسْجُدَ سَجْدَةً‌ وَاحِدَةً‌ فَذَكَرَهَا وَ هُوَ قَائِمٌ‌ قَالَ‌ «يَسْجُدُهَا إِذَا ذَكَرَهَا مَا لَمْ‌ يَرْكَعْ‌ فَإِنْ‌ كَانَ‌ قَدْ رَكَعَ‌ فَلْيَمْضِ‌ عَلَى صَلاَتِهِ‌ وَ إِذَا انْصَرَفَ‌ قَضَاهَا وَ لَيْسَ‌ عَلَيْهِ‌ سَهْوٌ** »[[11]](#footnote-11)

اگر کسی سجده واحده را فراموش کند و بعد از رکوع ملتفت شود، قضاء می کند، قبل از رکوع ملتفت شود باید تدارک کند و سجده سهو نیز بر او واجب نیست. نسیان سجده که مجموع دو سجده رکن باشد، نسیان سجده که نصف رکن است، سجود سهو ندارد.

1. موثقه عمار

« عنْهُ‌ عَنْ‌ أَحْمَدَ بْنِ‌ الْحَسَنِ‌ عَنْ‌ عَمْرِو بْنِ‌ سَعِيدٍ عَنْ‌ مُصَدِّقِ‌ بْنِ‌ صَدَقَةَ‌ عَنْ‌ عَمَّارِ بْنِ‌ مُوسَى السَّابَاطِيِّ‌ قَالَ‌: سَأَلْتُ‌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَم ....**وَ عَنِ‌ الرَّجُلِ‌ إِذَا أَرَادَ أَنْ‌ يَقْعُدَ فَقَامَ‌ ثُمَّ‌ ذَكَرَ مِنْ‌ قَبْلِ‌ أَنْ‌ يُقَدِّمَ‌ شَيْئاً أَوْ يُحْدِثَ‌ شَيْئاً قَالَ‌ «لَيْسَ‌ عَلَيْهِ‌ سَجْدَتَا السَّهْوِ حَتَّى يَتَكَلَّمَ‌ بِشَيْ‌ءٍ‌» وَ عَنِ‌ الرَّجُلِ‌ إِذَا سَهَا فِي الصَّلاَةِ‌ فَيَنْسَى أَنْ‌ يَسْجُدَ سَجْدَتَيِ‌ السَّهْوِ قَالَ‌ «يَسْجُدُهُمَا مَتَى ذَكَرَ»[[12]](#footnote-12)**

ظاهر تکلم در تکلم آدمی است. در روایات دیگر آمده است که کسی که تکلم آدمی کند سجده سهو آورد، این روایت می خواهد بگوید که این قیام زائد سجده سهو ندارد، آنچه سجده سهو دارد تکلم آدمی است.

1. صحیحه حلبی

« عَلِيُّ‌ بْنُ‌ إِبْرَاهِيمَ‌ عَنْ‌ أَبِيهِ‌ عَنِ‌ اِبْنِ‌ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ‌ حَمَّادِ بْنِ‌ عُثْمَانَ‌ عَنِ‌ **اَلْحَلَبِيِّ‌ عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: «إِذَا قُمْتَ‌ فِي الرَّكْعَتَيْنِ‌ مِنَ‌ الظُّهْرِ أَوْ غَيْرِهِمَا وَ لَمْ‌ تَتَشَهَّدْ فِيهِمَا فَذَكَرْتَ‌ ذَلِكَ‌ فِي الرَّكْعَةِ‌ الثَّالِثَةِ‌ قَبْلَ‌ أَنْ‌ تَرْكَعَ‌ فَاجْلِسْ‌ فَتَشَهَّدْ وَ قُمْ‌ فَأَتِمَّ‌ صَلاَتَكَ‌ وَ إِنْ‌ أَنْتَ‌ لَمْ‌ تَذْكُرْ حَتَّى تَرْكَعَ‌ فَامْضِ‌ فِي صَلاَتِكَ‌ حَتَّى تَفْرُغَ‌ فَإِذَا فَرَغْتَ‌ فَاسْجُدْ سَجْدَتَيِ‌ السَّهْوِ بَعْدَ التَّسْلِيمِ‌ قَبْلَ‌ أَنْ‌ تَتَكَلَّمَ‌**»[[13]](#footnote-13)

حضرت در این روایت قیام زائد را مطرح می کند در صورتی که تشهد فراموش شده است، بعد وجوب سجده سهو را نیز مطرح نمی کنند و می فرمایند نماز را تمام کنید.

1. موثقه عمار

« عَنْهُ‌ عَنْ‌ أَحْمَدَ بْنِ‌ الْحَسَنِ‌ عَنْ‌ عَمْرِو بْنِ‌ سَعِيدٍ عَنْ‌ مُصَدِّقِ‌ بْنِ‌ صَدَقَةَ‌ عَنْ‌ عَمَّارِ بْنِ‌ مُوسَى السَّابَاطِيِّ‌ **قَالَ‌: سَأَلْتُ‌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ عَنِ‌ السَّهْوِ مَا يَجِبُ‌ فِيهِ‌ سَجْدَتَا السَّهْوِ فَقَال ....وَ لَيْسَ‌ فِي شَيْ‌ءٍ‌ مِمَّا يَتِمُّ‌ بِهِ‌ الصَّلاَةُ‌ سَهْوٌ**»[[14]](#footnote-14)

1. صحیحه فضیل بن یسار

« مُحَمَّدُ بْنُ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ الْحُسَيْنِ‌ بِإِسْنَادِهِ‌ عَنِ‌ اَلْفُضَيْلِ‌ بْنِ‌ يَسَارٍ : أَنَّهُ‌ **سَأَلَ‌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ عَنِ‌ السَّهْوِ فَقَالَ‌ مَنْ‌ حَفِظَ سَهْوَهُ‌ فَأَتَمَّهُ‌ فَلَيْسَ‌ عَلَيْهِ‌ سَجْدَتَا السَّهْوِ وَ إِنَّمَا السَّهْوُ عَلَى مَنْ‌ لَمْ‌ يَدْرِ أَ زَادَ فِي صَلاَتِهِ‌ أَمْ‌ نَقَصَ‌ مِنْهَا»[[15]](#footnote-15)**

ظهور انما در حصر است. کسی که یادش بیاید سجده سهو ندارد، کسی سجده سهو دارد که علم اجمالی دارد نمی داند که در نماز چیزی زیاد کرده یا کم کرده است.

شما وقتی یک عمومی دارید که «تسجد سجدتی السهو لکل زیادۀ أو نقصان» را مطرح می کند، این عرفی است که گفته شود در این مواردی که روایت داریم سجده سهو واجب نیست و در غیر این ها واجب است، آیا این عرفی است، یا حمل تسجد بر استحباب عرفی است؟

تاکنون شاهد اول بر رفع ید از ظهور روایات دال بر وجوب سجود سهو مطرح شد.

#### شاهد دوم لزوم رفع ید از روایات وجوب سجده سهو: عدم ذکر سجده سهو در جایی که مناسب بود بیان شود

شاهد دوم روایاتی هستند که نفرموده است سجده سهو به جا آورید، با اینکه مناسب بود که امر به سجود سهو شود؛ مانند:

1. موثقه ابی بصیر

« وَ عَنْهُ‌ عَنْ‌ فَضَالَةَ‌ عَنْ‌ حُسَيْنِ‌ بْنِ‌ عُثْمَانَ‌ عَنْ‌ سَمَاعَةَ‌ عَنْ‌ أَبِي بَصِيرٍ **قَالَ‌: «إِذَا نَسِيَ‌ أَنْ‌ يَقْرَأَ فِي الْأُولَى وَ الثَّانِيَةِ‌ أَجْزَأَهُ‌ تَسْبِيحُ‌ الرُّكُوعِ‌ وَ السُّجُودِ وَ إِنْ‌ كَانَتِ‌ الْغَدَاةُ‌ فَنَسِيَ‌ أَنْ‌ يَقْرَأَ فِيهَا فَلْيَمْضِ‌ فِي صَلاَتِهِ‌**»[[16]](#footnote-16)

حضرت نفرموده است که بعد از نماز سجده سهو به جا آورد. با اینکه در مقام بیان وظیفه نیز بوده است.

1. صحیحه قداح:

« وَ عَنْهُ‌ عَنْ‌ عَبْدِ اللَّهِ‌ الْقَدَّاحِ‌ عَنْ‌ جَعْفَرٍ عَنْ‌ أَبِيهِ‌ عَلَيْهِمَا السَّلاَمُ‌ **: «أَنَّ‌ عَلِيّاً عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ سُئِلَ‌ - عَنْ‌ رَجُلٍ‌ رَكَعَ‌ وَ لَمْ‌ يُسَبِّحْ‌ نَاسِياً قَالَ‌ «تَمَّتْ‌ صَلاَتُهُ**‌»[[17]](#footnote-17)

1. صحیحه علی بن یقطین

« عَنْهُ‌ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ يَقْطِينٍ‌ قَالَ‌: سَأَلْتُ‌ **أَبَا الْحَسَنِ‌ الْأَوَّلَ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ - عَنْ‌ رَجُلٍ‌ نَسِيَ‌ تَسْبِيحَةً‌ فِي رُكُوعِهِ‌ وَ سُجُودِهِ‌ قَالَ‌ «لاَ بَأْسَ‌ بِذَلِكَ‌»**[[18]](#footnote-18).

امام نفرموده است که سجده سهو به جا آورد.

در این روایت اطلاق ترخیصی آمده است با اینکه امام در مقام افتاء نیز بوده اند، علی بن یقطین سوال از وظیفه فعلیه می کند و امام جواب او را می دهد و با او به عنوان فقیه برخورد نمی کند که در مقام افتاء نبوده باشد. امام نگفته است که به سفیان بن سمط گفته ام که واجب است سجده در هر زیاده و نقصان، عرف می گوید با وجود این روایت شاید آن روایت سفیان حکم استحبابی باشد.

#### شاهد سوم: روایات وارده در نسیان قرائت

شاهد سوم این است که در نسیان قرائت، که فعلا نیز بحث ما در نسیان قرائت است، صحیحه محمد بن مسلم چنین است:

« مُحَمَّدُ بْنُ‌ يَعْقُوبَ‌ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ إِسْمَاعِيلَ‌ عَنِ‌ اَلْفَضْلِ‌ بْنِ‌ شَاذَانَ‌ عَنْ‌ حَمَّادِ بْنِ‌ عِيسَى عَنْ‌ رِبْعِيِّ‌ بْنِ‌ عَبْدِ اللَّهِ‌ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ مُسْلِمٍ‌ عَنْ‌ أَحَدِهِمَا **عَلَيْهِمَا السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: «إِنَّ‌ اللَّهَ‌ عَزَّ وَ جَلَّ‌ فَرَضَ‌ الرُّكُوعَ‌ وَ السُّجُودَ وَ الْقِرَاءَةُ‌ سُنَّةٌ‌ فَمَنْ‌ تَرَكَ‌ الْقِرَاءَةَ‌ مُتَعَمِّداً أَعَادَ الصَّلاَةَ‌ وَ مَنْ‌ نَسِيَ‌ الْقِرَاءَةَ‌ فَقَدْ تَمَّتْ‌ صَلاَتُهُ‌ وَ لاَ شَيْ‌ءَ‌ عَلَيْهِ‌**» [[19]](#footnote-19).

می بینیم که امام علیه السلام در این روایت فرموده اند چیزی بر شخص واجب نیست. اگر قرار بود در فرض نسیان قرائت سجده سهو واجب باشد، امام حتما می فرموده اند.

**سوال می شود** لا شی علیه در مورد عدم اعاده است.

**جواب این است** که خیر؛ زیرا برای عدم اعاده خود تعبیر «تمت صلاته» کافی بود و نیازی به ذکر لاشی علیه نبود. محقق بروجردی فرموده است که ظهور در عدم وجوب سجده سهو ندارد، شاید تأکید همان تمت صلاته است، ولی به نظر ما این کلام تمام نیست؛ زیرا عرفی نیست. ایشان در تبیان الصلاۀ فرموده اند:

« و لكن في دلالة هذه الطائفة من الأخبار إشكال من حيث إن ما ورد فيها من أنّه لا شيء عليه أو تمّت صلاته يكون ناظرا إلى عدم وجوب إعادة الصّلاة، و أن الصّلاة صارت تامة، و لا تدلّ‌ على عدم وجوب سجدتى السهو عليه فى هذا المواضع، فهذه الأخبار لا تنافي رواية سفيان بن السمط، فافهم»[[20]](#footnote-20)

به نظر ما این کلام تمام نیست؛ زیرا ظهور در تکراری بودن تعبیر وتأکید بودن آن در تمت صلاته ندارد، امام فرموده است تمت صلاته و لا شی علیه، اطلاق آن شامل عدم وجوب سجده سهو نیز می شود.

##### کلام محقق سیستانی

محقق سیستانی فرموده اند بالاتر از ظهور بلکه کالصریح در نفی وجوب سجود است؛ زیرا جو فقهی آن زمان را وقتی می بینیم، می یابیم که جو فقهی آن زمان لاشی علیه را اینگونه معنا کرده اند؛ مثلا در بحث صید در مورد صیاد گفته می شود لاشی علیه، یا به کسی که دنبال برش درختان است، لاشی را می گوید و یک جور معنا می کند. هر جوّی لا شی را یک جور معنا می کند. می گوییم لاشی علیه، جو فقهی آن زمان همانطور که ابن رشد در بدایۀ المجتهد گفته است این است که ترک سنت را موجب سجود سهو می دانستند حتی می گفتند سنت أعم از سنت واجبه یا سنت مستحبه موکده است. در مقابل رهائم که می گفتند سنت غیر موکده است. رهائم مستحب غیر موکد بود ولی سنت أعم از واجب غیر اصطلاحی یا مستحب موکد بود. در چنین جو فقهی امام وقتی می فرمایند «لاشی علیه» عرفا ناظر به این است که سجده سهو ندارد.

این فرمایش محقق سیستانی را انصافا ما نمی توانیم اطمینان پیدا کنیم، ما از همان ظهور اطلاقی که مبنای خود است وارد می شویم می گوییم که ظهور اطلاقی لاشی علیه این است که سجود سهو ندارد و نسبت آن با روایت سفیان بن سمط عموم من وجه می شود که بعد از تعارض در مورد نسیان قرائت و تساقط، رجوع به برائت از وجوب سجود سهو می شود. بنابراین به نظر ما سجود سهو در هر زیاده و نقیصه ای لازم نیست، فقط در تکلم سهوی یا در سلام سهوی یا در شک بین چهار و پنج بعد از اتمام سجدتین سجود سهو را لازم می دانیم. در مورد علم اجمالی به زیاده یا نقصان نیز احتیاط می کنیم، آنجا نیز مشهور قائل به وجوب نشده اند، ولی از باب اینکه روایت است و بزرگانی مثل محقق خویی احتیاط کرده اند ما نیز احتیاط می کنیم، اما در نسیان قرائت احتیاط واجب نیست و احتیاط مستحب است.

دقت شود که وقتی ما خیلی از موارد را دیدیم که طبق روایات گفته اند سجود سهو ندارد، چیزی برای «تسجد سجدتی السهو» باقی نمی ماند، لذا شاید همین نکته سر اعراض مشهور از آن باشد.

## بررسی تعداد سجده سهو واجب

محقق خویی و آیت الله حکیم فرموده اند اگر سجده سهو واجب باشد، یک نسیان شده است و یک سجده واجب است و نیازی به دو سجده نیست. ما می گوییم دلیل صاحب عروه ظاهرا روایت سفیان بن سمط یا روایت «إذا لم تدر أ زدت أم نقصت» است که نسیان و سهو را ملاک قرار نداده است که شما بگویید یک نسیان رخ داده است، معیار آن منسی است، آنچه فراموش کرده ایم دو تا است، لذا بعید نیست که عرف در نسیان حمد و سورۀ بگوید که دو جزء فراموش شده است؛ لذا دو سجده واجب است. اینکه در نقض بدین مطلب گفته شود که هر آیه نیز یک جزء است، خلاف متفاهم عرفی است. بنابراین ولو اینکه منشأ نقصان حمد و سورۀ یک فراموشی باشد، دو جزء منسی است و دو سجده واجب دارد.

روایت دیگر نیز که «إذا لم تدر أزدت أم نقصت» داشت که از آن استظهار کردیم که علم تفصیلی به نقیصه یا زیاده موجب سجود سهو است، عرف می گوید در اینجا دو نقیصه است، یک نقیصه حمد و یک نقیصه سورۀ است.

مشهور حتی استحباب را نیز قبل از علامه و شهید نفرموده اند، خود شهید نیز فرموده است که اینکه شیخ طوسی فرموده است که برخی از اصحاب قائل شده اند قائلش را پیدا نکردم. ولی خود ایشان در ذکری قائل شده اند.

# مسئله دو از مسائل قرائت: عدم جواز تطویل سورۀ در ضیق وقت

سید در مسئله دوم می فرماید:

«

« **لا يجوز قراءة ما يفوت الوقت بقراءته من السور الطوال فإن قراءة عامدا بطلت**»[[21]](#footnote-21)

مسئله دوم این است که کسی نماز صبح را می خواهد بخواند، ده دقیقه به طلوع آفتاب مانده است، جایز نیست که قرائت را به سوره ای طوال اختصاص دهد که در صورت خواندن آن، نتواند نماز را در وقت تمام کند. ولو رکعت دوم باشد. نماز این شخص باطل است، حال باید دید که وجه بطلان این نماز چیست، اینکه کار خلاف کرده است، شکی نیست ولی وجه بطلان نماز مخصوصا در جایی که وسط آن پیشمان شود و برمی گردد و سریع سورۀ کوتاه می خواند چیست؟ در جلسه آینده ان شاءالله بررسی می شود.

1. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص155.](http://lib.eshia.ir/10083/2/155/نقص) [↑](#footnote-ref-1)
2. [اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج2، ص673.](http://lib.eshia.ir/14015/2/673/تصحیح) [↑](#footnote-ref-2)
3. . کتاب الصلاۀ، للمحقق الداماد، ج 4 ص 161 «إلاّ أن يندفع بكون المرسل هو «ابن أبي عمير» الواقع قبل «سفيان» و لكونه من أصحاب الإجماع و ممّن لا يرسل و لا يروي إلاّ عن ثقة، فلا ضير حينئذ بجهالة «سفيان» الواقع بعده. هذا من جهة السند». [↑](#footnote-ref-3)
4. [اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج2، ص673.](http://lib.eshia.ir/14015/2/673/عددناهم) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الخلاف، شیخ طوسی، ج1، ص459.](http://lib.eshia.ir/10015/1/459/قال) [↑](#footnote-ref-5)
6. . تبیان الصلاة، جلد: ۸، صفحه: ۲۶۹. البته محقق بروجردی می فرماید اصلا ذیل روایت کلام امام علیه السلام معلوم نیست باشد. (مقرر). [↑](#footnote-ref-6)
7. . کتاب الصلاۀ، للمحقق الداماد، ج 4 ص 163. [↑](#footnote-ref-7)
8. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص196.](http://lib.eshia.ir/10083/2/196/رکوع) [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص354.](http://lib.eshia.ir/11005/3/354/المرغمتین) [↑](#footnote-ref-9)
10. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص350.](http://lib.eshia.ir/11021/1/350/الفضیل) [↑](#footnote-ref-10)
11. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص152.](http://lib.eshia.ir/10083/2/152/قائم) [↑](#footnote-ref-11)
12. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص353.](http://lib.eshia.ir/10083/2/353/سجدتا) [↑](#footnote-ref-12)
13. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص344.](http://lib.eshia.ir/10083/2/344/فرغت) [↑](#footnote-ref-13)
14. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص353.](http://lib.eshia.ir/10083/2/353/سهو) [↑](#footnote-ref-14)
15. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج8، ص225، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/8/225/نقص) [↑](#footnote-ref-15)
16. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص146.](http://lib.eshia.ir/10083/2/146/السجود) [↑](#footnote-ref-16)
17. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص157.](http://lib.eshia.ir/10083/2/157/ناسیا) [↑](#footnote-ref-17)
18. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص157.](http://lib.eshia.ir/10083/2/157/ناسیا) [↑](#footnote-ref-18)
19. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص146.](http://lib.eshia.ir/10083/2/146/متعمدا) [↑](#footnote-ref-19)
20. . تبیان الصلاة، جلد: ۸، صفحه: ۲۷۸. [↑](#footnote-ref-20)
21. . العروۀ الوثقی (أعلام العصر) ج 1 ص 643. [↑](#footnote-ref-21)